

لقب در زبان فارسی و کردی _ از نظر معناشناسی(1)

پ.د. طالب حسین علی

بخش زبان کردی، دانشکده‌ی تربیت مدرس، دانشگاه صلاح‌الدین، هولیر، عراق

talib5151@yahoo.com

م.ی زهراء احمد قادر

بخش زبان فارسی، دانشکده‌ی زبان، دانشگاه صلاح‌الدین، هولیر، عراق

zahra.qadir@su.edu.krd

چکیده

معلومات البحث

لقب نام یا نام و اژه‌ای خاص است که بر پایه‌ی معنی بنیادی خود، ستایش یا نکوهشی را القا می‌نماید و همپایه‌ی نام، قدمتی دیرینه دارد. لقب شناسه‌ای بسیار مهم در شناساندن اشخاص، مشاغل آنها، اصل و نسب و منزلت سیاسی یا اجتماعی و مذهبی افراد می‌باشد. لقب و لقب‌گذاری از دیرباز در میان ملل مختلف شایع بوده است و کاربرد آن از دیوان صدرات پادشاهان گرفته تا منبر مذهبیان و گوشه‌ی خانقاه‌ها و در میان عموم مردم مورد پسند واقع بوده است. روابط اجتماعی در جامعه نقش بسزایی در شکل‌گیری القاب دارند. بنابراین لقب‌هایی که در جوامع مختلف کاربرد دارند، زاده‌ی فرهنگ و زبان‌های مختلف هستند و بر اساس خصوصیات زبانی معنی می‌پذیرند. کاربرد لقب و لقب‌گذاری در زبان فارسی و زبان کردی قدمتی دیرینه دارند و از لحاظ ساختاری بیانگر خصوصیات معناشناسی در سطوح سمانتیک و کاربردی می‌باشند. این پژوهش بر آن است که بر اساس نظریه‌ی زبان‌شناسی تطبیقی، از لحاظ معناشناسی به بررسی لقب در زبان فارسی و کردی بپردازد.

تاریخ پژوهش:

دریافت: 2020/2/10

تصویب: 2020/3/5

انتشار: زمستان 2020

Surname, واژگان کلیدی:

Persian language,

Kurdish language,

Name, semantical

perspective

¹ (ناسناو له زمانی کوردی و فارسیدا تیروانینیکی واتایی)

Doi:

10.25212/lfu.qzj.5.1.30

المقدمة:

جوامع انسانی از دیرباز برای نامیدن افراد و تفکیک اصناف از نام یا صفاتی بهره جسته‌اند که امور ارتباطی را آسانتر و روانتر سازند. نام و صفاتی که به کار برده‌اند را لقب نامیده‌اند. لذا کاربرد لقب در میان افراد جامعه جایگاه خاصی داشته است. القابی که برای افراد گوناگون انتخاب می‌شده‌اند ریشه در امور معیشتی، سیاسی، نظامی، دبیری و غیره داشته‌اند و تداوم کاربرد این القاب برای طبقه‌ی خاص، به مرور زمان جنبه‌ای تشخیصی یافته و چه بسا این القاب به عنوان نام خانوادگی به نسل‌های بعد هم منتقل شده‌اند. همه‌ی مردم جامعه برای شناساندن خود به نحوی به القاب متصل می‌شوند. این القاب بسیار گسترده‌اند و تمام امور زندگی را دربرمی‌گیرند. بر همین اساس است که القابی برای متصدیان امور سیاسی و کارگزاران دولتی، امور مذهبی، شغل و صنف و بالاخره برای افراد معمولی در جامعه رایج هستند که هرکدام از آنها ارزش معناشناختی خاص خود را دارند.

این پژوهش بر آن است تا از لحاظ معناشناسی به لقب‌شناسی در زبان فارسی و کردی بپردازد. در این راستا برای آنکه تحقیق و بررسی لقب از لحاظ معناشناسی در این دو زبان، به شکل علمی و کاربردی پیش برود انواع لقب را بر پایه‌ی امور اجتماعی، صنفی، سیاسی، مذهبی و غیره به پنج دسته‌ی مجزا تقسیم نمودیم و هر کدام از این انواع را بر اساس معیارهای زبان‌شناسی در زبان فارسی و کردی مورد تحقیق و تطبیق قرار داده و در پایان نتایج تحقیق را ارائه داده‌ایم.

محدوده‌ی پژوهش: لقب به عنوان پدیده‌ای در زبان با مقوله‌ی معناسازی مرتبط است. به همین دلیل می‌تواند در دو سطح کاربردی و سمانتیک مورد بررسی قرار بگیرد. این تحقیق تلاشی در جهت تشخیص و تبیین لقب و استفاده‌ی از آنها _ در دو سطح رسمی و غیررسمی _ در هر دو زبان کردی و فارسی است.

اهداف پژوهش: لقب پدیده‌ایست که با نام و نام‌گذاری ارتباط دارد و در این جا سعی شده که این موضوع با دیدگاهی گسترده و متعارف از نظر کمی و کیفی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. همچنین هدف این پژوهش این است که ویژگی‌های هر يك از دو زبان یاد شده را در یک پدیده مشخص کرده و سپس با مقایسه‌ی این پدیده در هر دو زبان؛ شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها را نشان دهد.

ساختار تحقیق از دو بخش اصلی و نتیجه‌گیری پایانی تشکیل شده است. در بخش نخست تلاش شده تا لقب به عنوان پدیده‌ای زبانی مورد واکاوی قرار گیرد، همچنین به مفاهیم و تعاریف آن پرداخته شده است. در ادامه مسائلی که بر کاربرد لقب در زبان تاثیرگذار هستند از نظر اجتماعی و روانی مطرح شده‌اند. همچنین لقب و طریقه‌ی تلفظ آن در دو زبان کردی و فارسی بررسی شده و نوع ارتباطی که این دو مقوله با عمل لقب‌گذاری دارند تجزیه و تحلیل شده است.

در همین بخش لقب در مقایسه با انواع اسامی دیگر فرد نامگذاری شده از جمله مشخصه‌ها، کنیه، نام فامیلی، اسم اختصاری و اسم داوطلبانه مطرح شده است.

بخش دوم؛ عنوان این بخش "لقب در سطح معناسازی" است. به عبارتی می‌توان گفت این بخش به ابعاد معنایی و ادای لغوی لقب اختصاص داده شده است. در همین راستا سعی شده است که معنای لغوی و طرز ادای آن به شکل زیر تجزیه و تحلیل شود:

دو مقوله‌ی وظیفه و معنای لقب از نظر اجتماعی و همچنین کاربرد و معنای سمانتیک لقب در دو زبان کردی و فارسی مورد بررسی قرار گرفته است و نتیجه در چند قسمت ارائه شده است.

1- لقب Surname - در دو زبان کردی و فارسی

1 / 1 - نام و نامگذاری

نام و نامگذاری به عنوان یک فرآیند متداول نقش و جایگاه ویژه‌ای در بین افراد جامعه دارد، چرا که نام و نامگذاری دو مقوله‌ی مرتبط و مکمل در شناسایی و ارتباط‌گیری به شمار می‌آیند. همچنین این دو مقوله از مسائل مهم جامعه محسوب می‌شوند به گونه‌ای که نام و نامگذاری به عنوان یکی از شناسه‌های فرد استفاده می‌شوند. به همین خاطر نام به مثابه یک نشانه برای فرد از نظر اجتماعی دارای ابعاد مختلف بوده و بسیار وسیعتر از خود نام‌گذاریست و باعث شناسایی و تمیز شخص خواهد شد. علاوه بر این نام می‌تواند دارای بار معنایی در ارتباط با مسائلی همچون مذهب، وطن‌پرستی، آزادی‌خواهی و مسائل متعالی از این دست باشد و در زمره‌ی ایده‌آل‌های افراد و جامعه قرار گیرد. اگرچه ارتباط معناداری میان خود اسم و شخص نامگذاری شده وجود ندارد و وقتی که نامی برای یک نوزاد انتخاب می‌شود؛ این نام صرفاً برای شناساندن و شناسایی وی است؛ به عبارت دیگر هیچ ارتباط مستقیمی میان نوزاد و اسمی که بر او گذاشته شده وجود ندارد. به همین دلیل نیز نمی‌توان ارتباط معنایی مستقیمی میان نوزاد و نام او یافت.

اما پس از نامگذاری ارتباطی میان این دو برقرار می‌شود و ما وقتی اسم شخص را بر زبان می‌آوریم، وی واکنش نشان داده و یا به ما پاسخ خواهد داد و پس از آن ارتباطی دوطرفه خلق می‌شود

به گونه‌ای که نمی‌توان این دو را به راحتی از هم جدا کرد. به ویژه اینکه با گذشت زمان ذهنیتی از شخص و نام وی ایجاد می‌شود و همین زمینه‌ی برقراری پیوندی عمیقتر و برجسته‌تر را فراهم خواهد آورد.

گاهی اوقات چنین پیش می‌آید که برای یک شخص بیش از یک اسم به کار می‌رود. وقتی که نوزادی متولد می‌شود ما یک نام برای او در نظر می‌گیریم و با همین نام مشخص در خطاب به وی استفاده می‌کنیم. اما با گذشت زمان ممکن است با چند اسم مجزای دیگر از وی نام ببریم و حتی ممکن است از این اسامی بیش از نام اولیه‌ای که در شناسنامه ثبت شده است استفاده کنیم. ممکن است دیگر کسی وی را با اولین نامی که بر وی گذاشته‌ایم نشناسد و نامی که اطرافیان از آن استفاده می‌کنند به نامی متداول و همیشگی تبدیل شود.

مسئله‌ای که اینجا حائز اهمیت است این است که چه کسانی دارای اختیار و حق نامگذاری بر نوزاد هستند؟ بدون شک نخست والدین و سپس این نزدیکان و اطرافیان هستند که سعی خواهند کرد نامی را مطابق با تمایلات خود برای نوزاد برگزینند. این فرآیند بر اساس وضعیت خانواده و نزدیکان متغیر است. برای مثال ممکن است که نام‌های متعارف امروزی برای یک خانواده مهم باشد اما برای یک خانواده‌ی دیگر بار معنایی و مفهوم نام حائز اهمیت است، برخی از خانواده‌ها از نام اجداد خود استفاده می‌کنند و ... به هر حال هدف از نام‌گذاری هرچه باشد مهمترین کارکرد آن معنایی - زبانیست که شخص را از دیگران جدا می‌کند و یک جایگاه و مشخصه ویژه به وی می‌دهد. [دیار عطی کمال و تألیب حوسین عطی: 2018، 2].

2 / 1 - لقب (مفهوم و تعریف):

لقب که به عنوان واژه‌ای کاربردی در شناساندن افراد و معرفی مکان‌های اجتماعی، شغل، مرتبه‌ی علمی و ... در جوامع مختلف کاربرد دارد، از لحاظ معنایی جنبه‌ای توصیف‌گرایانه برای شناساندن دارد. همانگونه که در لغت‌نامه‌ی (معین) مندرج است لقب در لغت به معنای ((پاچنامه، پاژنامه، پاژنامه، اسم، عنوان، جمع: القاب)) [محمد معین: 1386، 1545] می‌باشد. در زبان کوردی در برابر واژه‌ی لقب واژه‌های ((بهرناف، پاشناف، پاشناو، پیناس، نازناو...)) [عبدالوا ئبیراهیمی: 2012، بهرگی دووم، 1513] کاربرد دارند. همچنین در فرهنگ (همنبانه بؤرینه) در برابر واژه‌ی (نازناو) واژه‌ی فارسی (لقب) آمده است. [ههژار موکریان: 1388، 853].

تعاریفی را که برای اصطلاح لقب ارائه داده‌اند، که بر مبنای آن لقب نامی است که برای شناساندن افراد و برای نام شخصی آن فرد مورد استفاده قرار می‌گیرد. در لغت‌نامه‌ی غیاث اللغات در مدخل واژه‌ی لقب آمده است: ((نامی که در آن معنی مدح یا ذم منظور باشد و برخلاف علم که در آن معنی

متبادر نباشد)) [محمد غیاث‌الدین: 1316، 612] در پس واژه‌ی لقب معنایی اعم از آن در مد نظر گرفته نشده است. بنابراین در تعریف واژه‌ی لقب باید گفت: لقب یا پاژنامه، نام دوم توصیف‌گری است که بعد از نام نخستین هرکسی به او داده شده و در مقام مکالمه و مکاتبه و یا در غیاب او به کار رود، و نوعاً در بردارنده‌ی مدح یا ذم است و گاهی نیز انتساب یک فرد به یک نقطه‌ی جغرافیایی ویژه و یا صفت معینی را بیان می‌کند.

لقب آن نام اضافه شده‌ای است که به کسی اطلاق می‌شود و غیر از اسم اول شخص و برای توصیف شخص به کار برده می‌شود به گونه‌ای که وی را از دیگران متمایز سازد. برای مثال نام پیامبر اسلام "الصادق الامین" بوده و این دلالت بر صداقت و امانت‌داری ایشان در بین قوم خود بوده است.

3 / 1 - نام خانوادگی و لقب:

بسیاری از اوقات در روابط روزانه و به ویژه در گفتگوها و یا در مکاتبات و نوشتن نامه به نام خانوادگی نیاز داریم. در اینجا ضمن ارائه‌ی پاره‌ای از توضیحات و نکات لازم به کاربرد نام خانوادگی در کردی و فارسی می‌پردازیم و کیفیت و نحوه‌ی استفاده‌ی از آن را در ظرف مکانی و زمانی بررسی خواهیم کرد.

نام خانوادگی، نامیست که به نام اصلی افزوده شده و به عنوان بخشی از نام شخص در نظر گرفته می‌شود که در اغلب موارد این نام، نام خانوادگی (شهرت) خوانده می‌شود. در بیشتر جوامع و فرهنگ‌ها به نام خانوادگی اسم پایانی نیز گفته می‌شود. در بعضی از فرهنگ‌ها نام خانوادگی عبارت است از اسم نخست پدر و یا مادر شخص، به عنوان مثال در کردی این نام، نام کوچک یا نام نخست پدر است، مانند: محمده‌ی جهمال، محمده‌ی کهمال، محمده‌ی لوقمان و ... در اینجا ممکن است محمدها رابطه‌ی خویشاوندی داشته باشند و برای اینکه بتوان آنها را از هم جدا کرد، اسم اول پدر در کنار نام اصلی آنها قرار می‌گیرد.

در زبان فارسی هم مانند زبان کردی این گونه از روابط زبانی در گذشته دیده می‌شود و نام کوچک پدر یا مادر به عنوان لقب خانوادگی کاربرد داشت، اما در حدود صد سال گذشته و پس از سقوط دولت قاجار و روی کار آمدن دولت پهلوی و تاسیس مراکز رسمی ثبت احوال، بیشتر این موارد تبدیل به نام خانوادگی و شهرت شدند و برای تمام اعضای خانواده‌ی پدری به کار برده شد. نام پدر به وسیله‌ی پیشوند یا پسوند تبدیل به لقب یا نام خانوادگی می‌شود. در بیشتر موارد دفاتر ثبت اسناد نام پدر افراد را بوسیله‌ی پیشوند/پسوند (پور) تبدیل به نام خانوادگی افراد می‌کرده‌اند. برای مثال نام (علی محمد)، نام شخص (علی) نام پدر (محمد) را با استفاده از این پیشوند/پسوند (پور) تبدیل به (پورمحمد) و در

مجموع به (علی پورمحمد) می‌شود. همچنین نام پدر به وسیله‌ی پسوند (زاده، زاده‌ی، راد، نژاد) نام خانوادگی (محمدزاده، محمدی، محمدپور، محمدراد، محمدنژاد و ..) درست می‌شود. برای مثال (علی محمدزاده، خالق محمدی، رضا محمدپور، اصغر محمدراد، شاهین محمد نژاد..) همچنین در برخی موارد نام پدر هم پیشوند و هم پسوند می‌گیرد و مانند (پورمحمدی) یا نام و صفت خاصی بر نام پدر اضافه شده است و از آن نام خانوادگی ساخته شده‌است. مانند (صفت، منش) در (کریم علی صفت)، (رستم علی منش) و ..

اسم نخست مادر مانند: همه‌ی نیرگز، همه‌ی شیرین، قاله‌ی ناجی، خوله پیزه... استفاده از نام مادر بعنوان نام خانوادگی در اغلب موارد در حالتی روی می‌دهد که شخص مورد نظر از پدرش دور است و یا این که به هر دلیلی او را از دست داده است. در زبان فارسی نام مادر مانند نام پدر در دورانی که ثبت احوال به ثبت نام و نشان خانوادگی و تنظیم سجل همت گماشته، به عنوان نام خانوادگی در دفتر اسناد رسمی مرقوم و رایج شد. نام مادر به وسیله‌ی (پسوند) (نژاد، زاده، پور..) بصورت نام خانوادگی درمی‌آید. (معصوم‌نژاد، شیرین‌زاده، فاطمی، صنمپور..)

در بعضی از فرهنگ‌ها اسم خانوادگی استفاده نمی‌شود مانند برمه‌ای‌ها و جاوه‌ای‌ها. در برخی موارد مربوط به یک جمع یا اقلیتی از یک ملت یا نژاد؛ به دلیل فشار سیاسی و سرکوب مداوم نام خانوادگی تغییر داده می‌شود، مانند کردهای فیلی تحت حاکمیت رژیم بعث. بدون شک ممکن است در چنین مواردی نام خانوادگی به طور کلی کنار گذاشته شود و در مورد کردهای فیلی چنین فرآیندی روی داد و کوردهایی که در بغداد و مناطق نزدیک به آن جایگاه اجتماعی ویژه‌ی خود را داشتند به تدریج اسم فامیلی خود را برای رهایی از سرکوب‌های رژیم کنار گذاشتند.

هنرمند: رضا علی الفیلی سیاستمداران: فایق قاسم الفیلی - کوردو قاسم الفیلی - حبیب محمد کریم فیلی - عزیزالحاج الفیلی

موارد مشابهی در تایلند، چین و اندونزی نیز وجود داشته است]. رجوع شود به - "surname" [Wikipedia].

احتمالاً این حالت در زبان فارسی بیشتر تحت فشار عقاید دینی قرار گرفته باشد نه آن دست از فشارهای سیاسی که در زبان کردی دیده می‌شود. در برخی از مناطق ایران که از لحاظ عقاید دینی (سنی) مذهب هستند، بر اثر فشارهایی که از طرف افراد مذهبی اعمال می‌شده نام خانوادگی و القاب خانوادگی خود را تغییر داده‌اند. عناوینی چون عمرزاده، عثمان‌نژاد، به (علی‌زاده)، (حسین‌نژاد) تغییر یافته‌اند.

در اغلب فرهنگ‌ها به ویژه در امور رسمی نام خانوادگی یا "نام پایانی" استفاده می‌شود. همچنین در بیشتر موارد و به ویژه در مناطقی مانند "خاورمیانه و اروپا و شمال آسیا و اغلب کشورهای آفریقایی" نام پایانی شخص پس از نام اصلی می‌آید. مانند (Azad. Ali) (Azad . Ahmad . Ali) خوانده و یا نوشته می‌شود. "surname – Wikipedia".

این نوع نامگذاری در شرق بسیار متداول است. در گذشته در جامعه‌ی کردستان نام خانوادگی به شیوه‌ی سنتی پس از نام اصلی در نظر گرفته شده است. برای نمونه، رهشاد موفقی، عبدالله ده‌باغ، رهشاد میرانی، ریبوار تالهبانی، کهمال خوشناو، خسر مو جاف، فهاد سنگاوی. به گونه‌ای که پاژ نام، لقب یا اسم پایانی بعنوان نام خانوادگی شخص استفاده شده است و این نوع اسم‌گذاری در کردستان مرسوم بوده است که تا حد زیادی به شجره و ایل و تبار و منطقه‌ی جغرافیایی محل سکونت پیوند داشته است. در زبان فارسی و به خصوص در دفاتر رسمی ثبت اسناد و مکان‌های رسمی مانند زبان کردی ابتدا نام کوچک و سپس نام خانوادگی می‌آید. (حسن روحانی)، (علی خامنه‌ای) و ... اما در برخی موارد فقط نام خانوادگی به کار برده می‌شود. (حسن زاده)، (رستم‌نژاد)، (ابوالقاسم‌پور) و .. در اندک مواردی نام خانوادگی قبل از نام کوچک می‌آید: (باقری کریم)، (نوری‌زاده، علیرضا)

لذا آنچه باید در اینجا به آن اشاره کرد این است که در بیشتر موارد لقب در جامعه‌ی کردی یا فارسی چندین مشخصه را دربرمی‌گیرد و این مشخصه‌ها می‌توانند اشاره به طبقه‌ی اجتماعی، صنف، قوم و یا تبار داشته باشد که همراه با اسم اصلی شخص از آنها استفاده می‌شود. (رجوع شود به طبقه‌بندی القاب).

همچنین بعضی اوقات لقب تحت تاثیر مشخصاتی قرار می‌گیرد که همراه با آن پدیدار می‌شوند که می‌توانند اسم پدر یا مادر و یا اسم محل تولد یا زندگی وی و یا اسامی توصیفی شخص باشند. بنابراین چنانچه بخواهیم لقب را به شیوه‌ی درست به کار ببریم، می‌بایست به جواب سوال‌های زیر دست پیدا کنیم:

این شخص با چه کسی و یا کسانی در ارتباط است؟ به تعبیر دیگری نسبت به چه کسانی احساس تعلق دارد؟

اهل کجاست؟

شغل و محل درآمد وی چیست؟

ویژگی‌های ظاهری او کدامند؟

برای نمونه برخی از القاب اشاره‌ای به شغل و صنف شخص هستند، مانند: دارتاش، ناسنگهر، دهباغ، موتابچی، زیرنگر و یا اینکه برخی از القاب مرتبت با پاژنام مذهبی شخص هستند که این مورد بیشتر در مورد مردان به کار می‌رود. در مورد لقب مذهبی این نکته وجود دارد که اغلب خانواده‌های مذهبی تمایل دارند که از آن دست از القاب برای خود استفاده کنند که بعد از نام فامیلی می‌آید تا خود را از دیگر خانواده‌های یک گروه بزرگ مذهبی مشترک جدا کنند. به عنوان مثال؛ لقب "شیخ" در کردستان یک نام فراگیر برای اشاره به گروه‌های مختلف قادری نه‌قشبه‌ندی، به‌مرزنجی است.

لقب شیخ قبل از نام خانوادگی می‌آید، مانند: شیخ محمود داره‌کله‌لی، شیخ قادر که‌سنه‌زان، شیخ عوسمان بیاره، شیخ ماری نودی، شیخ عوسمانی بیاره، شیخ عله‌ی هه‌شه‌زینی و هند. به عبارتی لقب شیخ به نوعی یک "title" برای شخص محسوب می‌شود. به همین خاطر نیز در اغلب موارد می‌بینیم که اشاره‌ایست به محل سکونت و زندگی یک خانواده بزرگ در یک نقطه‌ی جغرافیایی.

5 / 1 - طبقه‌بندی القاب

بسیاری از القاب منشأ مشترکی دارند که این دست از القاب در یک بستر مکانی و زمانی و از یک خانواده مشترک هستند اما برخی دیگر ریشه‌های متنوعی دارند و به عبارتی به شیوه‌ی مستقل در یک زمان و مکان ویژه شکل گرفته‌اند.

برای طبقه‌بندی القاب و با هدف ارائه‌ی توضیح بیشتر در این باره، به تقسیم‌بندی باسیل کوتل "basil cottle" می‌پردازیم که در مورد القاب جوامع اروپایی ارائه شده است. این تقسیم‌بندی با توجه به مصدر لقب‌ها، لغات و ادای القاب را در چهار مجموعه‌ی فراگیر به شیوه‌ی زیر قرار داده است. "surname – Wikipedia":

نام (نام‌ها)، نام شغل، منطقه‌ی جغرافیایی، لقب. می‌توان این نوع تقسیم‌بندی را در مورد القاب دیگر که در نقاط مختلف متداول هستند، به کاربرد. بنابراین برای تقسیم‌بندی انواع القاب در زبانهای کوردی و فارسی به القابی می‌پردازیم که فراگیر و متعارف بوده و در بین افراد جامعه بیشتر استفاده می‌شوند. برخی از القاب که در گذشته برای اشاره به هویت (شناسه) اشخاص استفاده می‌شدند، امروزه در جامعه به شکل وسیعی به عنوان پدیده‌ی اجتماعی تثبیت شده‌اند. برای تحلیل این القاب می‌توان به منشأ آنها در مناطق مختلف جغرافیایی مناطق فارس‌نشین و کردنشین پرداخت، به گونه‌ای که بتوان نسبت میزان کاربرد هریک را با توجه به القابی که در این دو زبان - به ویژه آن دسته که در نام خانوادگی - متعارف و متداول‌اند، سنجید.

_ القابی که منشا مذهبی دارند مانند، قادری شیخ، نازادی مه‌لا، کهریمی مام سهید، عومهری حاجی، رمشاد موفتی، خه‌تیب، امام و .. در زبان فارسی بعضا القاب منشا دینی دارند مانند: آیت‌الله مکارم شیرازی، حاج رسول رستگاری، سید احمد خمینی و ... برخی از القاب گویای مقام اجتماعی افراد می‌باشند و از طریق آن مقام منزلت و اعتبار افراد مشخص می‌شوند، مانند :

(نعمهد پاشا، کهریم خان، سه‌لیم بهگ، فه‌تاح ناغا و ..) و در زبان فارسی مراد بیگ، اسدالله خان پشتکوه، محمود خان اردکانی و ..)

یا اعتبار تحصیلی افراد را بازگو می‌کند: کهریم فه‌فندی، نعمهد چله‌می، عه‌بدولکهریم موده‌ریس و ... در زبان فارسی حمدالله مستوفی، جهانگیر میرزا، میرزا آقاخان، قائم مقام فراهانی و ..

_ القابی که به کار و صنف اشخاص اشاره دارند، این نوع القاب با توجه به نوع شغل و به وسیله‌ی اطرافیان یا تمایل خود شخص استفاده می‌شوند. بخشی از این القاب برای شخص به نوعی افتخار محسوب می‌شود و گاه کاربرد این لقب‌ها برای چند نسل بعد از وی ادامه یافته است. مانند دارتاش، ده‌باغ، عه‌لاف، قه‌ساب، زیرنگر، پینه‌چی، چایچی، چه‌رچی، جولا، ده‌لال، و در زبان فارسی نجار، خیاط، قصاب، آهنگر، زرگر، نانوا، چایچی و هند. برخی از این القاب نشان دهنده‌ی وظیفه / کار ویژه‌ی بوده است مانند، مختار، کشاف و ..

برخی از القاب با کار و هنر افراد در ارتباط است که در میان آنها برخی میان آقایان و خانم‌ها مشترک‌اند، مانند: بهرگدور در زبان کردی و خیاط در زبان فارسی. بعضی از القاب مخصوص بانوان بوده که بعنوان لقب کاربرد دارند مانند: جلشور در زبان کردی و ماما در زبان فارسی. برخی از این القاب نشان‌دهنده‌ی وظیفه / کار ویژه‌ی بوده است مانند موختار، که‌شاف، رهمام، به‌یتار، میراب برای مردان و ماما برای بانوان. این القاب در زبان فارسی هم کاربرد دارند.

برخی از القاب به زادگاه و مکان زندگی افراد ارتباط دارند و بر اساس آن مکان ولادت گذشتگان افراد مشخص می‌شود .

_ القابی که به یکی از صفات شخص اشاره دارند و این موضوع در ظاهر شخص پیداست، مانند ((چاوشین، چاوره‌ش، سه‌رسی، سووره، سه‌رسور، دریز، بوز، قه‌لمو، خرین و ..)) در زبان فارسی این دست از القاب وجود دارند مانند: ((اردشیر درازدست، حسن کچل، محمد چاقال، امیر سیاه و ..)) که این القاب غالبا منفی تلقی می‌شوند. به عبارتی این دست از القاب برای کنایه و تحقیر شخص به کار گرفته می‌شوند. اینگونه القاب از مناطق جغرافیایی اشتقاق پیدا کرده‌اند مانند: هه‌لیری، ده‌وکی، شاره‌زوری، کوی، ماجدی، بوکانی، سیوه‌یلی، سه‌نگاوی، به‌رنجی و .. این القاب مانند صفت نسبی به عنوان نام خانوادگی بسیار فراگیراند، مانند: تهرانی، مشهدی، لرستانی و ..

2- لقب از لحاظ معناشناسی

2 / 1 - معنای سمانتیک لقب:

انسان از زبان به مثابه یک نظام الگویی برای اهداف و خواسته‌هایش استفاده می‌کند و معناسازی به آن علمی گفته می‌شود که به بررسی مستلزمات معنایی این الگوها برای دریافت و انتقال آنها می‌پردازد [احمد مختار عمر: 1982، 11]. الگوهای زبان عبارت‌اند از نشانه‌هایی که به صورت قراردادی برای اشاره و تفکیک مسائل مختلف اطراف استفاده می‌شوند. معانی مختلف زبان شامل نشانه‌های ساده "لغات" و همچنین الگوهای ترکیبی "جملات و اصطلاحات" هستند [تالیب حوسین: 2011، 27]

آنچه در پژوهش حاضر واکاوی می‌شود به طور مشخص لغات و تلفظ القاب هستند که از دو بعد مورد بررسی قرار داده می‌شوند:

1 - مفهوم معناشناسی لقب

2 - مفهوم کاربردشناسی لقب

لقب نیز به مثابه یک نشانه‌ی زبانی بر اساس مفهوم کاربردی آن، چنین تعریف می‌شود: "پدیده‌ایست زبانی و از اساس یک ابزار معنایی را بوجود می‌آورد که با مورد استفاده‌ی قرار گرفتن، وظیفه و هدف ویژه‌ای به آن داده می‌شود. لقب قبل از هر چیز دیگر، به عنوان زمینه‌ای برای شناساندن شخص و متمایز نشان دادن وی از اشخاص دیگر عمل می‌کند. [ناره‌زوو جه‌مال: 2015، 37]. به این ترتیب لقب در سطح سمانتیک خود در رابطه با معنای وصفی لغات در زبان استفاده می‌شود و این معنای اصلی و اساسی در زبان به کار گرفته می‌شود. به عبارت دیگر متکلمین به مثابه یک اصل در تفهیم و رایزنی از آن بهره می‌برند. همچنین این معنا به ابزاری برای معنابخشیدن (تفکیک) تجزیه و تحلیل شده و بازشناسایی می‌شود [تالیب حوسین: 2011، 22]. به همین دلیل نیز می‌توان معنای لغاتی که به عنوان لقب اعمال می‌شوند را از طریق سیمای معنایی مشخص کرد، به این ترتیب؛

نمونه فارسی:

-محمد جوشکار: اسم، شغل

-اردشیر لکی: اسم، اسم (قبیله، فامیل)

-سیاوش شیرازی: اسم، اسم شهر + پسوند (ی)

- اکبر کچل: اسم، صفت ظاهری

- شعبان شغال: اسم، اسم حیوان

نمونه کردی:

- به‌دیعه (دارناش): ناو، لیکدراو، پیشه .

- که‌مال خوشناو: ناو، لیکدراو، عه‌شیره‌ت

- سه‌لام کویی: سیفته‌تی نیسی، ناوی (شار) + پاشگری (ی)

- عه‌باسه که‌چهل: سیفته‌ت، موی سه‌ر

- سه‌مایل به‌ریوی (روباه): ناو، ناژه‌ل

بنابراین لغت و طرز بیان القاب از اساس دارای یک معنای ذهنی هستند که گویندگان از آن به عنوان یک معنای عمومی بهره می‌جویند که همان سیمای معنایی را دربرمی‌گیرند، به این معنی که ثابت و همیشگی هستند. نوع دیگری از معنا را در کاربرد همان لقب مشاهده می‌کنیم که بر بار معنایی فرعی لقب (غیر وصفی) دلالت می‌کند که معنای ذهنی را طی کرده و یک معنای فرعی دیگر به خود می‌گیرد. معنای فرعی ثابت نبوده از شخصی به شخص دیگر متفاوت است و یا اینکه از یک جامعه تا جامعه‌ای دیگر متفاوت است، به عنوان مثال ممکن است معیار یا مقیاس هر شخص نسبت به شخص دیگری کاملاً متفاوت و حتی متضاد باشد، در حقیقت معنی ذهنی هر لغتی می‌تواند چندین معنای متفاوت را دربرگیرد و مشخصاً این امر از طریق اشاره کسانی که از آن استفاده می‌کنند و محیطی که در آن به کار برده می‌شود، انجام می‌گیرد. بنابراین می‌بینیم که بر اساس سطح آگاهی و مبانی متعارف اجتماعی تغییر پیدا می‌کند، مثال :

حه‌مه ریوی، رحمانه دز، قاله فشه، نه‌حه چلکن، عه‌له گورگه و .. و در فارسی: شعبان شغال، علی جیب‌بر، حسن چاقال، شعبان بی‌موخ، اصغر آشغال، .. ممکن است این معنای خارج از معنای اولیه خود ظاهر شوند. پس لزوماً تمامی اشخاص بر این معنای فرعی اتفاق نظر ندارند که این امر ممکن است به دلایلی همچون نوع درکی که از لغت دارند و نحوه‌ی استفاده‌ی از آن باشد. [تألیف حوسین: 2011، 23-24]

2 / 2 - کارکرد و معنای لقب از دیدگاه جامعه‌شناسی:

وقتی لقب همراه با نام شخص می‌آید، به گونه‌ای کارکرد و معنای ویژه‌ای به آن می‌بخشد، به عبارت دیگر لقب کارکرد و معنای شناسه یا شناساندن بیشتری به نام اصلی شخص می‌دهد که ممکن است این معنی جنبه‌ی تکریم و تمجید داشته باشد یا قشر و طیف خاصی از جامعه را شامل شود که دارای پایگاه اجتماعی ویژه و متمایزیست که این شاخصه و تمایز می‌تواند ابعاد مختلفی اجتماعی، علمی و هنری داشته باشد. همچنین لقب می‌تواند حاکی از توانایی، استعداد و مهارت‌های شخص مورد نظر باشد. پر واضح است که این می‌تواند اهمیت و نقش شخص را بازتاب دهد.

به این ترتیب لقب در نگرش و روابط اجتماعی شخص با جامعه و محیطی که در آن است، نمود پیدا می‌کند و این در حین برخورد اجتماعی افراد جامعه با شخص در هنگام سخن گفتن درباره‌ی شخص یا در گفتگو با خود وی نمایان است که بیشتر جنبه‌ی شناساندن شخص را دارد و ممکن است برای اهمیت دادن و تعریف باشد.

و یا اینکه برای بزرگداشت وی از ابعادی همچون تعلقات مذهبی، سیاسی و اعتقادات و رفتارها باشد. ممکن است گاهی لقب برای ریاکاری و دورویی به کار گرفته شود. احترام و تمجید شخص هردو با هم در لقب به کار گرفته می‌شوند و روایتیست از شخص در موقعیت‌های مختلف روزانه بر حسب زمان و مکان کاربرد بر اساس صنف، تخصص، توانایی‌های علمی و مهارت‌ها و یا جایگاه پایگاه اجتماعی.

در واقع لقب، لزوماً برای شناساندن و تمجید نیست چرا که برخی از القاب برای کنایه و تحقیر استفاده می‌شوند. که حاکی از عدم علاقه به فرد و یا تلاش برای تخریب وجهی اجتماعی وی باشد. ممکن است لقب نگاهی تحقیرآمیز داشته باشد و یا اینکه گوینده با به کار گرفتن لقب عدم علاقه خود به شخص را نشان دهد. در تمامی حالت‌های ذکر شده لقب دارای یک بار معنایی مثبت یا منفیست و مفهوم و محتوای آن منعکس‌کننده‌ی جامعه و فرهنگ روابط اجتماعی حاکم و جاری در آن است. [صالح زیاد: 2017]

اینجا این سوال را مطرح می‌کنیم: چه چیزهایی باعث می‌شوند تا استفاده از یک لقب اجتماعی، مذهبی، هنری و ... در جامعه‌ای مشخص وسیعتر و متعارفتر از جوامع دیگر باشد و این امر در یک دوره‌ی زمانی در میان یک گروه اجتماعی متداولتر شود؟

این سوال را می‌توان چنین نیز مطرح نمود: چرا افراد یک جامعه تمایل دارند تا صفات یک لقب مشخص را داشته باشند و با این لقب شناخته شوند؟ برای نمونه برخی از القاب در جامعه‌ی کورد دارای یک پایگاه ویژه هستند، مانند:

-نه‌محمد پاشا، سه‌لیم بگ، نه‌ورم‌حمان ناغا

-کهریم خان، جهمیل نهفندی، مستهفا عالم

-رهشاد میران، قه‌لندهری شیخ، ...

در فارسی: حجت الاسلام، آیت‌الله العظمی، شیخ الاسلام، الامام، علامه، ...

در واقع این القاب معانی گسترده‌ای دارند و فراتر از مقطعی زمانی و مکانی در بین مجموعه‌ای محدود از افراد ظاهر می‌شوند و به این ترتیب صفات گسترده‌تری به شخص می‌دهند که به مراتب وسیعتر از مشخصات شخصی وی هستند و نشان از یک اجماع عمومی بر سر تمایز و فضیلت کسانی است که این صفات به آنها نسبت داده می‌شوند. استفاده از این صفات [القاب] در تمامی سطوح فرهنگی و اجتماعی مشهود است و این مسئله ریشه در مسائل طبقاتی و فرهنگی دارد که این مسائل در لقب و کاربرد آن مثابه رقابتی ایدئولوژیک پدیدار می‌شوند. بعضاً تعریف و معنای القاب در جریان کاربرد آنها مشکلاتی را ایجاد می‌کنند و گروهی اجتماعی بدون توجه به اینکه شخص دارای صفات لازم برای لقب بزرگ باشد، از آن برای نام‌گذاری وی استفاده می‌کنند و این مسئله باعث ایجاد نوعی ناپایداری در جامعه می‌شود و ممکن است امکان استفاده از این القاب برای نام‌گذاری صاحبان اصلی صفات مشخص آن، از دست برود.

3/2 - لقب و کاربرد در ارتباطگیری:

برای تحلیل و بررسی عملکرد معنایی القاب، ضروری دانستیم که به معنای واحدهای گفتاری و عمل ارتباطگیری زبانی بپردازیم. معنای واحدهای گفتاری که یک گفته‌ی مشخص را تشکیل می‌دهند در قالب آن محدوده‌ی (محیط) زبانی که به کار می‌روند؛ نمود پیدا می‌کنند. همچنین استفاده از زبان و عمل ارتباطگیری به عنوان دو مقوله‌ی متمم عمل می‌کنند که اشخاص از طریق این فرآیند اطلاعات، افکار، حقایق و احساسات خود را بیان می‌کنند. بنابراین منظور از ارتباطگیری فرستادن یک پیام است که طرف اول با استفاده از آن پیام خود را به طرف دوم رسانده یا انتقال می‌دهد و در واقع ایده‌ی هر پیام زبانی در قالب یک گفته از طریق نشانه‌ها و ادات زبانی، یا از طریق نشانه‌های پنهانی انتقال داده می‌شود.

به این معنی که انتقال‌دهنده، پیام‌ها را با بکارگیری تطبیقی دو وجه ادات زبان و اطرافیان (محیط) خود، انتقال می‌دهد تا نهایتاً با استفاده از اصول متعارف و مبانی عملی ارتباطگیری، به هدف مورد نظر (رساندن پیام) برسد. [تالیب حوسین: 2014، 221]. یک گوینده در طول روز از انواع شیوه‌های طرز بیان و حالت برای ارتباط با مخاطبین بهره می‌گیرد و خود را به معنای شایع سمانتیک محدود نمی‌کند. این مسئله مخاطب را به سمت عوامل موثر در درک درست پیام سوق می‌دهد. به عبارت دیگر مخاطب برای دریافت کامل پیام از امکانات و گزینه‌های موجود در اطراف استفاده می‌کند، این

امر شباهت بسیاری با بهرجویی ما از محیط در ابعاد اجتماعی، معرفتی، فرهنگی و .. دارد. [محمد محمد یونس: 2004، 141]. به همین دلایل نیز بسیاری از اوقات گوینده یا فرستنده‌ی پیام قادر نیست پیام مورد نظرش را به طور کامل به طرف مقابل انتقال دهد، برای مثال:

۱ ... - ناغا له باخه‌که‌ی خوارموه دانیش‌تووه. آقا در پایین باخچه نشسته است.

۲ ... - ناغا ئه‌مه کاری تو نییه سهری لئده‌رناکه‌ی. آقا شما این کاره نیستید، بهتره بیخیال شید

۳ ... - موفتی ر‌اویژکاری وه‌زیره. مفتی مشاور وزیر است.

۴ ... - موفتی چه‌ند دادپه‌روه‌ه. مفتی چقدر عادل است؟

در نمونه‌های (3، 1) کلمات "آقا و مفتی" به عنوان لقب و یک بیان ساده و عادی به بکار گرفته شده‌اند. در نمونه‌های (4، 2) عین همان کلمات حامل ابعادی منفی و کنایه‌ای و تحقیرآمیز هستند.

بنابراین برای یک درک درست از پیامهایی که ما به طور متداول از اطراف و اطرافیان دریافت می‌کنیم، لازم است تا آنها را در چارچوب زبان و گفتار محیط خود تطبیق و برآورد کنیم. به این ترتیب باید گفت که گفتار و زبان برای انتقال و دریافت درست از معانی کاربردی و پراگماتیک سود جسته و آنها را تحلیل و تفسیر می‌کند.

2 / 4 - لقب و معنای کاربردی:

اوستن در تئوری عمل بیان، دو نوع عمل مجزا را تبیین کرده است که عبارت‌اند از عمل آشکار و پنهان، آنچه اینجا مورد نظر است، عمل پنهان است چرا که از اهمیت و پیچیدگی برخوردار بوده و انتقال‌دهنده‌ی پیام از انواع آن برای ارسال پیام مورد نظرش استفاده می‌کند. [محمد محمد یونس: 2004، 36]. همچنین گفته‌هایی که پنهان و غیر مستقیم هستند، در قالب سنتاکسی خود به نوعی سازمان یافته‌اند که هر گفته‌ای در حد یک جمله تمام عمل می‌کنند.

وقتی که یک جمله (گفته) بیان می‌شود، بنا به محتوا و وضعیت آن در محیط و شرایط مکانی، تفسیر متعددی از آن ارائه یا استنباط می‌شود. اهدافی که انتقال‌دهنده‌ی پیام در خلال پیام خود به مخاطب بیان طرف مقابل ارسال می‌کند بر حسب مکان و نیت گوینده متغیر است. این به آن معناست که اغلب اوقات عمل بیان در اهداف و مبانی پراگماتیک یافته می‌شود. به عبارتی لقب تنها در مقام ستایش و یا رعایت بی‌طرفی استفاده نمی‌شود، بلکه ممکن است دارای معنا و مفهوم چندوجهی باشد، نمونه:

- 1- من و کهمال نُه‌فندی چوینه لای قائمقام. من و جناب احمدی به اداره مراجعه کردیم. (در این دو جمله هر دو فرد از یک مقام اجتماعی برخوردارند)
- 2- نُه‌محمد نُه‌فندی تکابه راپورته‌کهم بۆ ناماده بکه. جناب مفتش احمدی گزارش را ارائه دهید. (احترام به مقام پایینتر / وقتی مدیری کارمندی را مورد خطاب قرار می‌دهد)
- 3- سه‌عید نُه‌فندی ته‌نیا یه‌ک رۆژم مؤلّهت ده‌وئ. جناب احمدی تنها برای یک روز فرصت می‌خواهم. (احترام به مافوق/وقتی کارمندی مدیر خود را مورد خطاب قرار می‌دهد)
- 4- کهریم به‌گ کاریکی باشتان نُه‌نجام داوه. کریم بیگ کار درستی انجام دادید (احترام طرف مقابل وقتی دو مقام یا شخص نزدیک به هم پیامی را رد و بدل می‌کنند).
- 5- گهورم سه‌لیم نا‌غا خوا پای‌هدارت کا لئیمانی قه‌بوول بکه. سرورم جناب سلیم خان؛ خداوند شما را محفوظ بدارد، با تقاضایمان موافقت بفرما .
(تکریم از پایین به بالا از نظر طبقاتی)
- برخی از القاب نیز برای کنایه و یا تحقیر اشخاص استفاده می‌شوند. به ویژه آن دست از القابی که نشان‌دهنده‌ی صفات و رفتار شخص را باز‌نمایی می‌کنند و در یک موقعیت زمانی و مکانی ویژه بعنوان یک خطاب منفی برای تحقیر و کنایه به شخص مورد نظر به کار گرفته می‌شوند، در ادامه نمونه‌هایی را به عنوان مثال ذکر می‌کنیم.
- 6- ئه‌و سمايله که‌چهلّه سه‌یاره ده‌شوا. این کچله داره ماشینش رو می‌شوره؟
(خطاب به سوم شخص غایب است و برای تقبیح و تمسخر آمده است)
- 7- سمایل خه‌ریکی چی‌یی؟ اسماعیل داری چکار می‌کنی؟
(خطاب به دوم شخص مفرد بوده و ابعاد منفی و یا مثبت ندارد. همچنین یک بیان محاوره‌ای روزانه و دوستانه و خارج از گفته‌های رسمی متعارف بیان شده است)
- 8- کاوه چاوشین خیراتر کاره‌که‌ی ته‌واو کرد. کاوه چشمایی کارش رو زودتر تمام کرد.
- 9- دارا سه‌رسور نُه‌مسأل دهر نه‌چوو. دارا سرقرمز امسال مردود شد.
- 10- قاله شهل پاقله ده‌فرۆشی. احمد چلاق باقالی می‌فروشه.

در اینجا نیز می‌توان پیام و هدف گوینده را بر حسب اطرافیان، محیط و نحوه‌ی بیان جمله تعبیر کرد. ممکن است شخص مورد نظر (فروشنده‌ی باقالی) دارای معلولیت جسمی بوده و گوینده جمله را در مدح و ستایش تلاش و پشتکار وی برای استقلال مالی وی، بیان کرده باشد.

با این وجود باز هم بخشی از معنای پراگماتیکی تحت تاثیر مسائل روانی افراد قرار می‌گیرد و این تاثیر ابعاد مختلف اجتماعی و فرهنگی به خود می‌گیرد، برای مثال گوینده با موضع و دیدگاه ویژه‌ی خود نسبت به شخص مورد نظر، تعریف ویژه‌ای از وی ارائه دهد:

11 - فصره ج دوشکه پیشمرگه‌یه‌کی دیرین بوو. فرج "دوشکا" از پیشمرگان قدیمست.

12 - جه‌مال ر‌امبو پ‌ال‌هوانی و مرزشی‌ی یانه‌ی سیروانه. جمال "رمبو" قهرمان باشگاه "سیروان" است.

13 - نازه خرین نه‌مسال به دووم دەرچوو. نازی "تپل" امسال نفر دوم کلاشون بود.

14 - دیم‌نی هه‌ل‌پ‌رینی قاله ورگن و نایشه قیت چهند سه‌یره. صحنه‌ی رقص احمد چاقال و فاتمی چلاق خیلی خنده‌دار بود.

15 - دیسانه‌وه سه‌عید چلکن و مه‌ریمه رهش هاتن. باز هم که سعید پاگنده و مریم شلخته پیداشون شد.

در واقع این موارد معنای مشخص و آشکاری دارند که از معنای سمانتیک ابزار بیان آنها نشأت می‌گیرد. از نظر کردار (عملکرد) بیانی از نظر مفهوم مورد نظر به شکل ویژه‌ای ظاهر شوند، مثلاً به مثابه ابراز احساس، علاقه و احترام به شخص مورد نظر تبیین شوند. دقیقاً در مورد یازدهم می‌بینیم که "دوشکا" بعنوان یک سلاح نیمه‌سنگین بر حسب مخاطبین و فضا، بر ابعاد شخصیتی شخص تاثیر می‌گذارد. در مورد دوازدهم نیز "رمبو" که یک کاراکتر قهرمان است بر شجاعت و دلاوری جمال تاثیر می‌گذارد. حتی در نمونه‌ی سیزدهم گوینده با یک لحن ویژه در بیان می‌تواند نسبت به شخص نازی ابراز علاقه و دوست و صمیمت کند. اما ممکن است که صفاتی (14، 15) گوینده با استفاده از صفات و لحن هدف ویژه‌ای را بیان کرده باشد و این موضوع برای ما به تمامی قابل لمس و ادراک نباشد و یا اینکه پیام‌هایی را برای تحقیر و ناپسند جلوه دادن شخص به کار گرفته باشد.

نتیجه‌گیری:

۱ - لقب به عنوان یک ابزار و نشانه در زبان و در سطح سمانتیک معنای ویژه‌ای را القا می‌کند، همچنین معنای عمومی آن بر حسب مفاهیمی که گویندگان استفاده می‌کنند به دو نوع تقسیم می‌شود:

الف - القابی که معنای مثبت دارند.

ب - القابی که معنای منفی دارند .

۲ - تجزیه و تحلیل پدیده‌ی لقب این واقعیت را بر ما آشکار می‌سازد که این پدیده قبل از هر چیز محصول یک فرآیند اجتماعیست و با هدف شناسایی اشخاص به کار می‌رود. لقب در سطوح مختلف با ارزش‌های اجتماعی در هم تنیده شده است و برای حالت‌های مختلفی همچون تکریم و تمجید تا تقییح و بزرگنمایی و یا تحقیر و کنایه استفاده می‌شود.

۳ - تاثیرگذاری و جایگاه لقب به عنوان یک پدیده‌ی مرتبط با نام‌گذاری در تحقیق حاضر به عنوان یک موضوع مهم و اساسی در هر دو زبان کوردی و فارسی مشهود است و نتیجه‌ی این پژوهش نشان می‌دهد که شباهت اغلب القابی که این دو زبان استفاده می‌شوند، بیش از تفاوت‌هایشان نسبت به همدیگر است. این موضوع به ویژه در مورد القابی که در این دو زبان پرکاربرد هستند؛ کاملاً روشن است .

۴ - در زبان کوردی بخش کمی از نشانه‌هایی (titles) که منشا اعتقادات مذهبی دارند؛ فارغ از اسم خانوادگی شخص بعنوان لقب استفاده می‌شوند، مانند: عومهری حاجی، قادری شیخ، نازادی مه‌لا، کهریمی مام سهد، حسه‌سنی خنتیب و(...

۵ - در زبان فارسی نیز همانند زبان کوردی، نام پدر بعنوان لقب شخص استفاده می‌شود، با این تفاوت که نام پدر با پسوند یا پیشوندهایی نظیر (پور) همراه است. نام مادر نیز در زبان فارسی به تنهایی به عنوان لقب نمی‌آید، اما می‌توان با استفاده از نام خانوادگی، از نام مادر بعنوان لقب استفاده کرد.

منابع :

1. محمد غیاث‌الدین (۱۳۱۶). غیاث اللغات، چاپ قدیمی، کراچی، پاکستان.
2. محمد معین (۱۳۸۶). انتشارات امیرکبیر، تهران - ایران.
3. هم‌ژار موکریان (1388). همنبانه بۆرینه کوردی-فارسی، انتشارات سروش، چاپی ششم، ۱۳۸۸، تهران - نیران.
4. ناره‌زوو جهمال خضر (2015). ناسناو له زمانی کوردیدا - توژیژنه‌وه‌یه‌کی واتاسازی، نامه‌ی ماستر، زانکۆی سه‌لاحه‌دین - هه‌ولێر، کۆلیژی په‌روه‌رده.
5. تالیب حوسین عه‌لی (2014). زانستی زمان و زمانی کوردی، چاپی یه‌که‌م، چاپخانه‌ی رۆژه‌ه‌لات - هه‌ولێر - عێراق.

6. تالیب حوسین عهلی (2011). واتاسازی _ چهند بابه‌تیککی لیکدانه‌وهی واتای وشه، چاپی یه‌که‌م، چاپخانه‌ی رۆژ‌ه‌لآت - هه‌ولیر - عیراق.
7. دیار عهلی کمال و تالیب حوسین عهلی (2018). پراگماتیککی نیشان و ئادرئیس له زمانی کوردیدا، گۆفارا زانستین مروفایه‌تی یا زانکو یا زاخو، په‌ر به‌ند: 6، هه‌ژمار: 1، به‌رگ: 1.
8. عه‌بدولا ئیبراهیمی (2012). فه‌ر هه‌نگی کاوه کوردی-فارسی، به‌رگی دووم، ده‌زگای ئاراس، چاپی یه‌که‌م، هه‌ولیر - عیراق.
9. احمد مختار عمر (1982). "علم‌الدلالة"، مکتب دار‌العروبة للنشر و التوزیع، الکویت.
10. صالح زیاد (2017)، الشیخ، ابن‌شیخ، ابو‌شیخ، <http://www.alwatan.com>
11. محمد محمد یونس (2004). مدخل الی اللسانیات، الطبعة الاولی، دار‌الکتب الجدید، بیروت - لبنان.

surname _ Wikipedia. <http://en.wikipedia.org/wiki/surname>

پوخته:

ناسناو وه‌کو دیارده‌یه‌ک له زماندا په‌یوه‌ندی به‌بابه‌تی واتاسازییه‌وه هه‌یه، بۆیه ده‌کرئ له هه‌ر دو ئاستی سیمانئیک و پراگماتیکه‌وه لیکدانه‌وهی بۆ بکرئیت. توئژنه‌وه‌که هه‌ولدانئیکه بۆ پونکردنه‌وه دیاریکردنی وشه و ده‌رپرینه‌کانی ناسناو و به‌کاره‌ینانیان له هه‌ردوو زمانی فارسی و کوردیدا. ئامانج له توئژنه‌وه‌که‌ش به‌راوردکردنی دیارده‌یه‌که‌یه، هه‌روه‌ها به‌ده‌رخستنی لیکچون و جیاوازی نیوان هه‌ردو زمانه‌که‌یه. توئژینه‌وه‌که جگه له پێشه‌کی و ئه‌نجام له دو به‌ش پیکدئیت: به‌شی یه‌که‌م باسی له ناسناو ده‌کات وه‌کو دیارده‌یه‌کی زمانی، هه‌روه‌ها ئاماژه بۆ ئه‌و ده‌رپرینه‌ها ده‌کات، که په‌یوه‌ندیان به‌کرده‌ی ناوانه‌وه هه‌یه، هه‌روه‌ها باسی جوړه‌کانی ناسناو کراوه، به

تايبه تى ئه و جورانهى كه بهربلاو و باون له نيو كومه لگهى فارس و كورده واريدا. به شى دووهم: له م به شه دا تيشك خراوه ته سهر هه ندى لايه نى واتايى و ئه رك و به كارهينانى ناسناو له روى كومه لايه تيه وه، هه روه ها باسى واتاي پراگماتيكي ناسناو كراوه له هه ردو زمانه كه دا. ئه نجامى تويزينه وه كه ش له چه ند خاليكدا خراوه ته رو.

الملخص

اللقب هو ظاهرة لغوية يمكن تفسيرها عن طريق الدلالات والبراغماتية. هذا البحث هو محاولة لتوضيح اللقب باللغة الفارسية والكردية. يكمن الهدف من هذا البحث في إظهار أوجه التشابه والاختلاف بين هاتين اللغتين. بصرف النظر عن المقدمة والاستنتاجات، يتكون البحث من فصلين، الفصل الأول عبارة عن خلفية نظرية تحدد اللقب وبعض المصطلحات ذات الصلة: الإسم، المسمى، الإسم الصحيح، ويحاول معرفة بعض الأنواع الشائعة من اللقب باللغتين الفارسية والكردية. يلقي الفصل الثاني الضوء على بعض الجوانب الدلالية للقب ووظائفه واستخدامه الاجتماعي. يشرح الفصل الأنماط الشائعة للقب بكلتا اللغتين بشكل دلالي وعملي. وختم البحث بعرض ما توصل اليه من النتائج في عدد من النقاط و تليها قائمة المراجع.

Surname In Persian And Kurdish Languages A Semantical Perspective

Asst. Prof. Dr. TALIB HUSSEN ALI

Department of Kurdish Language, College of Education, University of Salahaddin, Erbil, Iraq

Asst. Lect. ZAHRA AHMAD QADER

Department of Persian Language, College of Languages, University of Salahaddin, Erbil, Iraq

Abstract



Surname in Persian and Kurdish languages a semantical perspective surname is a linguistic phenomenon which can be interpreted by semantics and pragmatics.

This research is an attempt to clarify surname in Kurdish and Persian languages. The aim lies in showing similarities and differences between these two languages. Apart from introduction and conclusions, the paper consists of two chapters.

Chapters one theoretical background defines surname and some related terms: noun, name, proper name and tries to figure out some common types of surname in both Kurdish and Persian languages.

Chapter two sheds light on some semantical aspects of surname, their functions and social use. The chapter explains the common patterns of surname in both languages semantically and pragmatically. The paper ends with some conclusions followed by the list of reference